

سرگشته در وادی معنا

نقی هاشمی

دکترای زبان و ادبیات فارسی
و دبیر دبیرستان‌های اوج فزوین

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات در شرح و معنا کردن متون ادبی، توجه نکردن به جایگاه واژه‌ها در زنجیره‌های دستوری و بافت معنایی است. نوشتار حاضر با بررسی تحلیلی جایگاه واژه «سرگشته» در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» پرده از اشتباه شارحان گلستان سعدی برداشته و با بررسی بافت دستوری و معنایی بیت و با اقامه دلایل کافی، معنای درست را پیشنهاد کرده است. از این شیوه می‌توان در شرح و توضیح همه متون ادبی بهره گرفت و به نتایج دقیق و درست دست یافت.

کلیدواژه‌ها: کتب کمک‌آموزشی، متن، بافت، معنا، گلستان سعدی، سرگشته

مقدمه

هر واژه نشانه‌ای است که دلالت بر مدلولی دارد. مدلول، همان معنی است که می‌تواند صریح یا غیرصریح باشد. معنای صریح با عباراتی مانند معنایی مبتنی بر تعریف، معنای تحت‌اللفظی، معنای بدیهی یا معنای مبتنی بر دریافت عام توصیف شده است. این معنا همان است که مبنای کار فرهنگ‌های لغت قرار گرفته است. (سجودی، ۱۳۹۳: ۷۱ و ۷۲). معنای مورد نظر ما در این نوشتار، همین تعریف است. متن، نوشتاری است که مجموعه‌ای

یعنی متن، آشکار می‌شود.

بافت‌های مورد نظر برای بررسی موضوع

تمامیت یک پارچه متن، چند شبکه را در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: بافت صوتی و آوایی (لفظی)، بافت صور خیال، بافت دستوری، و بافت معنایی.

بافت دستوری و معنایی برای بررسی موضوع مورد نظر ما انتخاب شده است. با استفاده از بافت دستوری می‌توان با نگاهی دقیق و موشکافانه، بافت معنایی متن را کاوید؛ یعنی شبکه روابط دستوری، به‌ویژه روابط همنشینی، زمینه‌ای را پدید می‌آورند که زنجیره معنایی متن در آن، روشن‌تر پدیدار می‌شود. البته روابط معنایی نیز به کشف روابط دستوری کمک می‌کنند. تمرکز این مقاله بر این است که به کمک شبکه دستوری و مجموعه روابط همنشینی اجزا و نیز بهره‌گیری از بافت معنایی اجزا در یک کل منسجم، پرده از اشتباه شارحان گلستان سعدی و نیز نویسندگان کتب کمک‌درسی و کنکوری کنار بزند. این اشتباه در معنا کردن واژه «سرگشته» در دو بیت زیر از گلستان سعدی پدید آمده است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

از نشانه‌ها یعنی واژه‌ها را در ساختاری منسجم و هماهنگ برای بیان مقصود به کار می‌گیرد. به بیان دیگر، متن گستره‌ای فراگیر از مجموع نشانه‌هایی است که تمامیت یک پارچه را تشکیل می‌دهند (نورگارد، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

معنی داشتن، ویژگی واژه است. با دانستن معنی واژه، مسائلی چون کاربرد درست یا توصیف آن با واژه‌های دیگر یا واژه‌های هم‌معنی، ممکن می‌شود (پالمر، ۱۳۶۶: ۵۹). برای یافتن معنی واژه، باید ارتباط‌های گوناگون آن را با واژه‌های دیگر و با تمامی جمله در نظر داشت. این ارتباط چندسویه می‌تواند در یک یا چند زنجیره از روابط همنشینی واژه‌ها در جمله پدید آید. روابط همنشینی واژه‌ها ممکن است چندین شبکه از روابط را در جمله پدید آورد. معنی واژه‌ها یا جمله، حاصل درهم‌تنیدگی روابط شبکه‌ای است. بنابراین در یک متن، معنی واژه نمی‌تواند به تنهایی و بدون داشتن ارتباط با دیگر واژه‌ها به دست آید.

معنا عنصری جدا از واژه یا جمله نیست که دارای هویت مستقل باشد. اگر چنین بود، معانی می‌توانستند بدون واژه‌ها موجودیت داشته باشند. حتی اگر واژه‌ای از چرخه زبان بیرون می‌رفت، معنی می‌توانست به زندگی مستقل خود ادامه دهد. بنابراین، موجودیت معنا وابسته به واژه است و هویت آن در بافت جمله یا در شکل بزرگ‌تر آن،

چنین مدخلی ندارد.

محمد خزائلی در شرح بیت مذکور، «سرگشته» را معنی نکرده و در شرح بیت فقط آیه «و سخر لکم الشمس و القمر» اشاره شده است (خزائلی، ۱۳۶۳: ۱۲۵). جای بسیار شگفتی است که استاد یوسفی با همه دقت علمی و موشکافانه‌اش در تصحیح گلستان، که به حق بهترین به‌شمار می‌رود، «سرگشته» را حیران معنی کرده است (سعدی، ۱۳۷۷: ۱۹۹). حسن احمدی گیوی نیز آن را حیران و سرگردان معنی کرده (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۶۴) اما خطیب رهبر (۱۳۷۶: ۷) و انوری برای آن هیچ‌گونه معنایی ارائه نداده‌اند.

نویسندگان کتب کمک‌درسی و کنکوری نیز هیچ کمکی به کشف معنای این واژه و در نهایت کل بیت نکرده‌اند. کتبی همچون «دروس طلایی دوازدهم انسانی»، چاپ سازمان آموزشی کاگو، «راهنمای گام‌به‌گام دروس دوازدهم» چاپ منتشران، «فارسی ۳» چاپ انتشارات خیلی سبز و ... «سرگشته» را یا معنی نکرده‌اند یا همان معنای حیران و سرگردان را آورده‌اند.

به نظر می‌رسد کسانی که این واژه را معنی نکرده یا آن را حیران و سرگردان معنی کرده‌اند، این معنی را به قدری روشن و همه‌فهم دانسته‌اند که یا به سادگی از کنارش گذشته‌اند یا همان معنای همه‌فهم و معمولی آن را ثبت کرده و هیچ تلاشی نکرده‌اند که معنای آن را متناسب با بافتی که در آن قرار دارد، استخراج کنند. همین معنا به کتب کمک‌آموزشی و در نتیجه به ذهن و زبان دبیران و دانش‌آموزان راه یافته است؛ به‌گونه‌ای که از هر دبیر و دانش‌آموزی پرسیده می‌شود، بدون هیچ درنگی آن را «حیران» معنی می‌کند. در یک جلسه بررسی فارسی (۳) در شهر تاکستان در استان قزوین که من نیز حضور داشتم، از جمع همکاران حاضر، که بیشتر از ۳۰ نفر بودند، درباره معنای آن پرسیدم؛ «گفتند به اتفاق یک سر»: «حیران»، و وقتی معنای متناسب با متن را برایشان توضیح دادم، همگی پذیرفتند.

بررسی واژه «سرگشته» از دید

دستور و معنی‌شناسی

مصراع «همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار» در ترتیب دستوری آن به این شکل در می‌آید: «همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار(ند)». مرجع ضمیر «همه»، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» در بیت قبل است. بنابراین، شکل گسترده جمله به این صورت خواهد بود: ابر و باد و مه و خورشید و فلک، همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردارند. نقش دستوری «سرگشته» مسند و «فرمان‌بردار» معطوف به آن است. معطوف که نقش تبعی است، با ماقبل خود می‌تواند یکی از این روابط را داشته باشد:

تضاد، تناسب، ترادف، و تضمن. وجود رابطه تضاد بین «سرگشته» و «فرمان‌بردار» پذیرفتنی نیست؛ زیرا در این صورت عطف آن دو به هم، باعث تناقض می‌شود. از سوی دیگر، «سرگشته» در هیچ‌یک از معانی خود با «فرمان‌بردار» تضاد ندارند. رابطه ترادف بین آن دو را نیز نمی‌توان پذیرفت؛ چون «سرگشته» در متونی که به کار رفته و معانی مختلفی که از آن در فرهنگ‌ها ثبت شده است، با «فرمان‌بردار» مترادف نیست. رابطه تضمن نیز بین این دو وجود ندارد.

وجود رابطه معنایی تناسب بین دو واژه، منطقی است. هم‌نشینی آن دو در جایگاه مسند، ما را بر آن می‌دارد که تناسب بین آن‌ها را به‌گونه‌ای در نظر بگیریم که هم توجیه‌کننده رابطه هر دو باشد و هم بافت معنایی جمله را با مشکل روبه‌رو نسازد. آیا معنای آواره، حیران و سرگردان که بیشتر فرهنگ‌ها و شروح گلستان ثبت کرده‌اند، با فرمان‌برداری کسی که به فرمان خالق خود عمل می‌کند، تناسب دارد؟

بررسی واژه «سرگشته» در بافت معنایی بیت و ماقبل آن

سعدی در این دو بیت، ابر و باد و مه و خورشید و فلک را با دو نسبت «در کار بودن» و «فرمان‌برداری» توصیف می‌کند. به نظر او، همه (ابر و باد و مه و خورشید و فلک) در کار و تلاش‌شان و این کار و تلاش آن‌ها، فرمان‌برداری است و مطابق دستور کار می‌کنند. حال اگر «سرگشته» را در معنای

این دو بیت در دیباجة گلستان و در درس یکم (شکر نعمت) فارسی (۳) پایه‌های دوازدهم، چاپ ۱۳۹۷ آمده و متأسفانه در واژه‌نامه پایان کتاب، واژه «سرگشته» توضیح داده نشده است.

منابع بررسی شده درباره موضوع

منابعی که برای بررسی معنای «سرگشته» انتخاب شده‌اند، در سه گروه قرار می‌گیرند:

۱. شروح گلستان، که شارحان آن‌ها همگی از بزرگان فرهنگ و ادب این سرزمین‌اند: محمد خزائلی، غلامحسین یوسفی، خلیل خطیب‌رهبر، حسن انوری و حسن احمدی گیوی؛ ۲. فرهنگ‌های لغت: برهان قاطع، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، فرهنگ الفبایی-قیاسی (مهشید مشیری)، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ بزرگ سخن؛ ۳. کتب کمک‌آموزشی و کنکوری که منابع بایسته و شایسته‌ای برای بررسی موضوع به‌شمار نمی‌روند اما چون دانش‌آموزان و حتی دبیران زبان و ادبیات فارسی به‌طور گسترده از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند، بررسی آن‌ها خالی از فایده نبود.

فرهنگ‌های نام‌برده در برابر مدخل «سرگشته» معنای حیران، سرگردان، آواره، دربدر و حیران به‌عنوان اصطلاح عرفانی را ثبت کرده‌اند. از میان آن‌ها دهخدا و سخن، افزون بر معنای ذکر شده، معنای غلتان و چرخان را نیز ثبت کرده‌اند. برهان قاطع،

حیران، آواره و سرگردان بدانیم، با «در کار بودن» و «فرمان برداری» تناسبی نخواهد داشت. فرمان بردار کسی است که طبق فرمان، کار می‌کند و حیرانی و سرگردانی یا آوارگی در کار او جایگاهی ندارد؛ یعنی بلا تکلیف نیست بلکه برعکس، تکلیفی به گردش نهاده شده است و به آن عمل می‌کند. از سوی دیگر، سعدی هدف از «در کار بودن» و «فرمان برداری» را آشکارا در مصراع دوم بیت اول بیان کرده است: «تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری». پس، موجودی که هدف مشخصی دارد و برای رسیدن به آن کار و تلاش می‌کند و از دستور سرپیچی نمی‌کند، در هیچ حال، حیران و سرگردان یا آواره و در نهاده نخواهد بود.

بررسی واژه «سرگشته» در زمینه فکری و مذهبی سعدی

سعدی به‌عنوان یک مسلمان معتقد و نیز کسی که سال‌ها در نظامیة بغداد، علوم دینی خوانده، بدون شک از سرچشمه ناب تعالیم قرآن، سیراب شده است. او به شهادت آثارش، نه تنها به مبانی تعالیم اسلامی آگاه است بلکه می‌تواند از هر کس دیگری در زمان خودش، آگاه‌تر باشد. بدین ترتیب، با توجه به عقاید اسلامی او نیز می‌توان موضوع را بررسی کرد. برای نمونه، به چند آیه از قرآن کریم اشاره می‌کنیم که بی‌گمان، پایه و مایه عقاید اسلامی سعدی است. در قرآن کریم، به هیچ‌وجه نمی‌توان آیه‌ای یافت که نشان‌دهنده حیرانی و سرگردانی پدیده‌های هستی باشد. اینک چند آیه نقل می‌شود:

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب ما خلق الله ذلک إلا بالحق یفصل الآیات لقوم یعلمون (۱۰/۵)

و هو الذی خلق اللیل و النهار و الشمس و القمر کل فی فلک یسبحون (۲۱/۳۳) و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم (۳۶) و القمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم (۳۸) لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار و کل فی فلک یسبحون (۳۶/۳۸-۴۰)

این فی خلق السماوات و الأرض و اختلاف

اللیل و النهار و الفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما أنزل الله من السماء من ماء فأحیا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابة و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الأرض لآیات لقوم یعقلون (۲/۱۶۴)

و هو الذی یرسل الریاح بشررا بین یدی رحمته حتی إذا أقلت سحابا ثقلا سقناه لبلد میت فأنزلنا به الماء فأخرجنا به من کل الثمرات کذلک نخرج الموتی لعلکم تذكرون (۷/۵۷)

الله الذی یرسل الریاح فتثیر سحابا فیسطه فی السماء کیف یشاء و یجعله کسفا فتیری الودق یخرج من خلاله فإذا أصاب به من یشاء من عباده إذا هم یستبشرون (۳۰/۴۸)

و الله الذی أرسل الریاح فتثیر سحابا

کاربرد معنای حیرانی و سرگردانی برای ابر، باد، ماه و خورشید، با زمینه عقیدتی موجود در قرآن تناقض دارد

فسقناه إلى بلد میت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور (۳۵/۹)

با توجه به آیاتی که ذکر شد، ماه و خورشید مدار ویژه خود را دارند و در آن روان‌اند. ماه، منزلی دارد که آن‌ها را طی می‌کند. خورشید در مسیر خاص خود حرکت می‌کند و به ماه نمی‌رسد. شب از روز پیشی نمی‌گیرد. در آفرینش آسمان‌ها و زمین رفت و آمد شب و روز، گرداندن بادها و ابر تسخیر شده بین زمین و آسمان، نشانه‌هایی برای خردمندان است. در موارد متعددی خداوند، فرستنده باد است تا ابرها را به سوی زمین مرده براند. نکته مهم و جالب توجه این است که در آیات ۳۳ انبیا

و ۴۰ سوره یس، تعبیر «یسبحون» برای ماه و خورشید، و شب و روز به کار رفته است. «یسبحون» به معنای «می‌گردند» (رازی، ج ۱۳: ۲۲۳) است؛ یعنی هر یک در مدار خود می‌چرخند.

بنابراین، در آیات قرآن در هیچ موردی تعبیر حیرانی و سرگردانی برای پدیده‌های هستی به کار نرفته است. سعدی که از تعالیم قرآن، پایه و مایه یافته است، دور از عقل می‌نماید که به حیرانی و سرگردانی پدیده‌های هستی باور داشته باشد و مسیر و هدفی برای آن‌ها قائل نباشد. بنابراین کاربرد معنای حیرانی و سرگردانی برای ابر، باد، ماه و خورشید، با زمینه عقیدتی موجود در قرآن تناقض دارد.

با توجه به مباحثی که از زوایای مختلف دستوری، معنایی و زمینه فکری سعدی مطرح شد، هرگز نمی‌توان واژه «سرگشته» را در بیت مذکور گلستان، به معنای حیران و سرگردان که سردرگمی و بی‌هدفی در آن نهفته است، دانست. پس باید معنای دیگری را که از مجموعه آیات قرآن و از خلال برخی فرهنگ‌های لغت و نیز از بررسی روابط همنشینی این واژه با دیگر واژه‌های بیت و ماقبل آن به دست می‌آید، برای آن درست دانست. معنای پیشنهادی برای واژه «سرگشته» در بیت مذکور از گلستان، «گردان» و «چرخان» است. این معنی، همان‌گونه که قبلاً گفته شد، از چند سرچشمه به دست می‌آید: ۱. از آیات قرآن به‌ویژه از فعل «یسبحون» به معنای «می‌گردند»؛ ۲. دهخدا و سخن، یکی از معانی آن را غلتان و گردان نوشته‌اند؛ ۳. از بافت کلام سعدی در همین بیت و با توجه به دلایلی که از دیدگاه‌های دستوری و معناشناسی ارائه کردیم. علاوه بر این، سعدی در غزلیاتش این واژه را به معنای چرخان و گردان به کار برده است:

چو در میدان عشق افتادی ای دل!

بباید بودند سرگشته چون گوی

(سعدی، ۱۳۸۵: غزل ۶۷۴)

نتیجه‌گیری

هر متن به‌عنوان تمامیت یک‌پارچه، دارای شبکه‌های پیچیده‌ای از روابط بین

واژه‌ها و جملات است که معنای متن، حاصل کشف این روابط است. کشف این روابط باعث می‌شود که جنبه‌های مختلف متن شامل صور خیال، روابط دستوری، بافت معنایی و حتی پشتوانه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی آن به‌درستی فهمیده شود. تکیه بر کشف شبکه‌های روابط متن، بهترین راه کشف معانی واژه‌ها و شناخت درست متن است.

فرهنگ‌های لغات با ارتباط دادن واژه‌ای که معنای روشن ندارد به واژه یا واژه‌هایی که معنای روشن دارند، معنی آن را ارائه می‌دهند. در برخی موارد، فرهنگ‌ها از آوردن برخی مدخل‌ها غفلت می‌ورزند یا موفق نمی‌شوند تمامی متونی را که مدخل مورد نظر در آن‌ها به‌کار رفته است، بررسی و همه معانی آن را استخراج کنند. بنابراین، تکیه صرف بر آن‌ها در شرح و توضیح معانی واژه‌ها، همیشه راه‌گشا نیست. هنگام شرح و توضیح و به‌ویژه هنگام تدریس، ابتدا باید به کشف روابط همنشینی واژه‌ها همت گماشت و در کنار آن از نتایج کار فرهنگ‌ها بهره برد.

کتاب کمک‌آموزشی به دلیل اتکای صرف به فرهنگ‌های لغت و غفلت از شبکه روابط متن، دچار لغزش می‌شوند. تکیه بر این‌گونه کتاب‌ها در قلمرو تدریس باعث شده است که دانش‌آموزان و در برخی موارد دبیران، بدون درگیری ذهنی با متن از اندیشه‌ورزی در موارد لازم، غفلت ورزند و در نتیجه، متن آن‌گونه که بایسته و شایسته است، شناخته نشود. در نظر داشتن معانی «حیران» و «سرگردان» برای واژه «سرگشته» در دو بیت مورد بحث در این نوشتار، بهترین نمونه از این‌گونه غفلت‌ورزی‌هاست. متأسفانه مؤلفان محترم کتاب فارسی (۳) نیز از معنی کردن واژه «سرگشته» در واژه‌نامه پایانی کتاب خودداری کرده‌اند. خالی بودن جای این واژه در واژه‌نامه، باعث می‌شود که لغزش برخی فرهنگ‌های لغت، کتاب شرح و به‌ویژه کتاب کمک‌آموزشی و کنکوری که چندان دقتی ندارند، به ذهن و زبان دبیران و دانش‌آموزان راه یابد. امیدواریم در چاپ‌های بعدی کتاب، این کمبود برطرف شود.

منابع

۱. پالمر، فرانک ر. (۱۳۶۶). نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی. چاپ اول، تهران: مرکز.
۲. خزاعی نیشابوری، حسین‌بن علی‌بن محمد بن احمد. (۱۳۷۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. به تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی کاربردی. چاپ سوم. تهران: علم.
۴. سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۷). گلستان. با تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ پنجم. تهران: خوارزمی.
۵. _____ (۱۳۸۵). کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ اول. تهران: هرمس.
۶. _____ (۱۳۸۶). گلستان سعدی. با مقدمه، شرح و تعلیقات حسن احمدی گیوی. چاپ دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. _____ (۱۳۷۶). گلستان سعدی. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر. چاپ یازدهم. تهران: صفی‌علیشاه.
۸. نورگارد، نینا و دیگران. (۱۳۹۴). فرهنگ سبک‌شناسی، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر. چاپ اول. تهران: مروارید.